

آداب ریاضت نفس در روایات شیعی و مسیحی

نویسنده: دیوید پنالت

مترجم: دکتر محمد افضلی*

اقلیت‌های شیعی در سرتاسر جهان، مراسم عزاداری محرم را به یاد قتل امام حسین در کربلا (۶۱ق/۶۸۰م) برگزار می‌کنند. قتل [امام] حسین، امیدهای سیاسی شیعیان [حضرت] علی را نقش بر آب کرد. پیروان [امام] علی، معتقد بودند که رهبری امت اسلامی، حق سلاله پیامبر است. از منظر شیعه، شکست نظامی [امام] حسین در کربلا، از مقام والای او به عنوان امام و رهبر معنوی کم نمی‌کند؛ بر عکس مرگ [امام] حسین، به منزله نمونه رنجی داوطلبانه ارج نهاده می‌شود که طی آن [امام] حسین، جان خود را فدای بیداری امت مسلمان در برابر فساد اخلاقی کرد که تحت سلطه خلفای اموی حاکم، دامن آنها را گرفته بود. بعدها تفاسیر شیعی تأکید کردند که [امام] حسین جان خود را به عنوان "فدیه" تقدیم خدا کرد تا کفاره گناهان هم‌کیشان خود و نسل‌های بعدی باشد.^۱ در میان شیعیانی که در شبه‌قاره هند با آنها مصاحبه کردم، مراسم سالانه

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قم

۱. واژه "فدیه" از یک قرائت باطنی شیعی، از قرآن سوره ۳۷، آیه ۱۰۷ (قربانی کردن پسر ابراهیم) گرفته شده است: "و ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم." مفسران شیعه، ذبح عظیم را که در قرآن به

محرم فقط برای زنده نگه داشتن یاد ایثار [امام] حسین نیست، بلکه این مطلب نمایان می‌سازد که حاضران در مراسم آن روز، اگر اجازه داشتند تا در کنار [امام] حسین در کربلا حاضر شوند، با او می‌ماندند و کشته می‌شدند.^۱

مقاله حاضر توجه خود را به جامعه شیعه حیدرآباد، در استان آندراپرادش هند و گروه‌های سوگ‌واری یا دسته‌های عزاداری مردانی معطوف کرده که بسیاری از مراسم‌های مهم ماه محرم را در حیدرآباد برپا می‌کنند. من آداب ریاضت نفس در دسته‌های شیعی حیدرآباد را با اعمال مغفرت‌طلبانه قرن‌های سیزده و چهارده مسیحیان اروپا مقایسه می‌کنم، به‌ویژه هیأت‌هایی که در ایتالیا با عنوان *Disciplinati* و در آلمان به نام *Geisslergesellschaften* شناخته می‌شوند. تحلیل میان‌فرهنگی، جنبه‌های بیشتری از رسوم مسیحی قرون وسطا و آیین اسلامی معاصر را آشکار می‌کند. استدلال من این است که این جنبش‌های شیعی و مسیحی، علی‌رغم قرار گرفتن در فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف، نمود تثبیت شده دین‌داری عمومی هستند که علایق و نقاط ضعف مشترک دارند. منظور از علایق مشترک، میل به گرامی داشتن یاد یک واقعه مقدس تاریخی با خودزنی، حرکات فیزیکی ریتمیک، و موسیقی و سرود گروهی است. نقاط ضعف مشترک، به خطرهای مربوط به خودزنی است؛ برای مثال، از دست دادن کنترل و خطر فوران احساسات فردی که ممکن است مختل شدن مراسم را

آن اشاره شده، امام حسین می‌دانند؛ قوچی که ابراهیم ذبح کرد، نماد پیش‌انگاشت قتل حسین در کربلاست. نک: به تفاسیر شیعی در مورد این آیه، نوشته محمد کاظم شاکر، قرآن کریم: متن عربی و ترجمه انگلیسی (کراچی: تراست نیکوکاری حبیب اسماعیل، ۱۹۵۹)، ص ۶۷۳ و سید فرمان، علی، کلام الله (لاکنو، انتشارات نظامی، ۱۹۸۰)، ص ۷۱۹، برای تفاسیر کربلا که قتل حسین را به شفاعت و بخشش گناهان مرتبط می‌سازند، نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ۱۱۰ ج، (تهران: المکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵/۱۹۶۵)، ج ۴۴، ص ۲۲۱-۲۲۵؛ لوئیس پلی، نمایش اعجازگونه حسن و حسین (لندن: و. م. ه. آلن و شرکاء، ۱۸۷۹)، ص ۹۷-۱۰۱؛ راینولد لوفلر، اسلام در عمل: عقاید مذهبی در یک روستای ایرانی (آلبانی: انتشارات دانشگاه دولتی نیویورک، ۱۹۸۸) ص ۴۰-۴۱، ۱۷۶-۱۷۷؛ احمد ح. شریف، امام شهدا (الم‌هورست، نیویورک: تاریخ ترتیل قرآن، ۱۹۸۶) ص ۴۸-۵۰.

۱. دیوید پنالت، شیعیان: شعائر و تقوای رایج در یک جامعه اسلامی (نیویورک: انتشارات سنت مارتین، ۱۹۹۲)، ص ۹۹-۱۰۸.

باعث شود و آیین گروهی یک تشکیلات را تهدید کند. در ادامه خواهیم دید که علایق و نقاط ضعف، تحول ساختاری مشابه در رسوم آیینی هر دو سنت مذهبی را سبب شده است.

مطلب را با تفسیری مقدماتی بر جنبش‌های خودزنی مسیحی قرن‌های سیزده و چهارده در ایتالیا و آلمان شروع می‌کنم. پژوهش‌گران به اوضاع اجتماعی و وقایعی تاریخی اشاره کرده‌اند که به قیامی ناگهانی به شکل تبع‌دگرایی انجامید؛ مانند جنگ بین موافقان و مخالفان سلطه امپراتوری آلمان (Guelph-Ghibelline) و هرج و مرج داخلی ناشی از آن، شیوع طاعون و اوج آن، طاعون سیاه در سال ۱۳۴۹ میلادی.^۱ منابع قرون وسطا هم چون "راهب پادوا" بر حالت خروش و بی‌اختیاری‌ای تأکید می‌کند که مسیحیان جذب مراسم خودزنی شدند: «آگاهی ناگهانی از گناه، به گونه‌ای بی‌سابقه... مردم ایتالیا را فرا گرفت... ترس از خدا بر آنان چیره شد».^۲ این شور مغفرت‌طلبانه، در قالب عمل فردی و بی‌اختیار خود را نشان نداد، بلکه به صورت آدابی منظم و جمعی بروز یافت. این مراسم‌ها را هیأت‌ها و انجمن‌های عمومی نظیر *Disciplinati Di Gesu Cristo* نظارت می‌کردند. که در سال ۱۲۵۹-۶۰ در شهر پروژای آمبریا تأسیس شد، این هیأت‌ها، دسته‌هایی را شهر به شهر می‌بردند؛ هر دسته ۳۳ روز و نیم طول می‌کشید (تعداد سال‌هایی که گفته می‌شود حضرت عیسی در زندگی خود در قالب انسان روی زمین سپری کرده است). "مرشدان" که بخشی از هر مراسم را شکل می‌دادند، اعمال ریاضت نفس را که در جریان این دسته‌ها اجرا می‌شد، به شکل سخت‌گیرانه‌ای اداره می‌کردند. این اعمال مغفرت‌طلبانه، هنگام خواندن سرودهای مذهبی انجام می‌شده است که آنها را *laudi spirituali* یا *Geisslerlieder* می‌نامند. مدت زمان تازیانه زدن، محدود بود و با شیوه‌هایی

۱. آرتور هوبنر، *Die Deutschen Geisslerlieder: studien zum Geistlichen Volksliede des Mittelalters*، (برلین: Verlag Walter de Gruyter، ۱۹۳۱)، ص ۶-۸، هم‌چنین نک: استانی سدی، فرهنگ جدید موسیقی و موسیقیدان‌های گروو، (لندن، مک‌میلان، ۱۹۸۰)، هم‌چنین نک: والتر سالمن، "Geisslerlieder".

۲. هوبنر، *Geisslerlieder*.

تعیین می‌شد که در ادامه، با جزییات بیشتری در مورد آن بحث خواهیم کرد. زندگی فوق‌العاده منظم *disciplinati* در طول هر مراسم مغفرت‌طلبانه، از آداب خودزنی تا رفتار زندگی روزمره را دربرمی‌گرفت. طبق مقررات، هیأت‌های شرکت‌کننده را به پوشیدن لباس‌های مخصوص موظف می‌کردند، از قسم خوردن به مصائب مسیح بازمی‌داشتند، و "برادران" در طول حرکت دسته، روی گاه می‌خوابیدند. هیأتی در گویو، به نام *Compagnia del Crocifisso* اعضای خود را از حمل سلاح منع می‌کرد. هگو فون رویتلینگن، کشیش آلمانی قرن چهارده که از نزدیک نظاره‌گر مراسم خودزنی بوده، اشاره می‌کند که مردان شرکت‌کننده اجازه نداشتند حمام کنند یا صورتشان را اصلاح نمایند یا با زنان صحبت کنند مگر با کسب اجازه از رئیس هیأت.^۱

اکنون از مسیحیت به اسلام شیعی برمی‌گردیم؛ مراسم سوگ‌واری شیعه هم متوجه گرامی داشتن واقعه تاریخی خاصی است. واژه عربی ماتم، به طور کلی به هر عمل یا هر حالت عزاداری اشاره دارد؛ این واژه در تشیع، مشخص‌کننده عزاداری برای شهدای کربلاست. این حرکات صرفاً سینه‌زنی با کف دست یا خودزنی به وسیله قمه، زنجیر، تیغ یا شلاق را شامل می‌شود. منابع من در حیدرآباد، ورود اعمال ریاضت نفس به مراسم شیعه را با آوردن شجره خانوادگی مرتبط با ماتم توجیه می‌کردند: گفته می‌شود حرکات مربوط به عزاداری، بخشی از نخستین مجلس است (واژه‌ای که در تشیع به جلسه عزاداری محرم اشاره دارد) که بیش از سیزده قرن قبل، [حضرت] زینب خواهر [امام] حسین که زند مانده و در دمشق بود، مراسم عزاداری برای گرامی داشتن امام مقتول برپا کرد.^۲

۱. هوبنر، *Geisslerlieder*، ص ۱۰-۱۳ و ۳۶-۳۷؛ پل رانج، *Die Lieder und Melodien der Geissler des Jahres 1349 nach der Aufzeichnung Hugo's von Reutlingen* (لایپزیک: برایتکوف و هارتل، ۱۹۰۰)، ص ۲۶-۲۷.

۲. پنالت، شیعیان، ص ۱۰۲. برای نمونه‌ای از موضوع ادبیات فداکارانه زینب و اولین مجلس او برای تکریم [امام] حسین، نک: م. ح. بیلگرامی، پیروزی حقیقت: زندگی زینب، دختر علی (کراچی، انتشارات زهرا پاکستان، ۱۹۸۶)، ص ۵۴-۵۵. برخی پژوهش‌گران ریشه مراسم‌های محرم را در

اصولاً رسم شیعی ماتم، فقط به گروه‌های سوگواری محدود نیست؛ هر مسلمان شیعه می‌تواند در سینه‌زنی، به عنوان ترجمانی از ماتم خویش، برای [امام] حسین شرکت نماید (علما زنان شیعه را از این که از سینه‌زنی فراتر روند و خون خود را بریزند، به شدت نهی می‌کنند).^۱ در حقیقت، دریافتن که اعضای هیأت در حیدرآباد، همیشه افراطی‌ترین شکل ماتم را اجرا می‌کنند و هیأت مردان، اجرای ریاضت نفس را به طور مرتب در متن مراسم عمومی در طول مقدس‌ترین روزهای محرم تضمین می‌نمایند. هیأت‌ها بسیاری از مراسم‌های ماتم را که برای عموم آزادند، حمایت مالی می‌کنند. افراد نیز به صورت خصوصی، مراسم محرم را در مکان‌های خانوادگی ترتیب می‌دهند و اغلب گروه ماتمی را به منزل خود دعوت می‌کنند تا جمعیت را در اجرای ماتم رهبری نمایند. شهرت این گروه‌های سوگواری چنان است که حضور آنها جمعیت بیشتری را جذب می‌کند.

برای درک بهتر نقش گروه‌های سوگواری، لازم است که یک مجلس (جمع آن: مجالس) نوعی یا اجتماع ماتم را بررسی کنیم که نوعاً مردان ترتیب می‌دهند. حیاط پر از مردمی می‌شود که در حال گفت‌وگو هستند. بچه‌ها در آن اطراف بازی می‌کنند؛ مردم چای و دیگر تنقلات را از کیوسک‌های نزدیک ورودی می‌گیرند.^۲ نوحه‌خوان‌ها بالای سکوی داخل صحن می‌روند و مستقیم

آیین‌های بین‌النهرینی باستان می‌دانند که برای احترام به خدای نباتات تموز برگزار می‌شده است. (نک: ب. د. اردمان، "Der Ursprung der Ceremonien des Hosein-Festes," Zeitschrift für Assyriologie 9, ۱۸۹۴، ص ۲۸۰-۳۰۷). جالب است بدانیم در نمایش‌نامه ساگران شراب مقدس، نوشته آشیل، گروه هم‌سرایان، ماتم خود را در مرگ آگاممنون، با حرکات دست و صورت ابراز می‌کنند که با گریه و زاری موجود در ریاضت نفس زنان عزادار مادهای مدیترانه‌ای ایرانی مقایسه می‌شود. (آشیل، Tragoediae: Choephoroe، آکسفورد، انتشارات کلارندون، ۱۹۰۲، [بخش‌های ۴۲۳-۴۲۸]).

۱. این ممانعت اختصاص به زنان شیعه ندارد، بلکه بیشتر قریب به اتفاق علمای شیعه، ریختن خون حاصل از برخی انواع عزاداری، مانند قمه‌زنی و آنچه موجب وهن آموزه‌های شیعه به‌شمار می‌آید را با وجود حجم گسترده تبلیغاتی بر ضد شیعه ممنوع و حرام شمرده‌اند. (ناقد، انجمن)

۲. این گونه‌ارایه تصویر از مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، عمومیت ندارد و چنین تصویرگری اگر برداشت عمومیت شود منصفانه نیست، لذا نباید مشاهده یک یا چند مورد را غالب کلی به آن

روبه روی علم (تاج‌های فلزی که نوک تیرک‌هایی قرار می‌گیرند و نام امامان و شهدای کربلا روی آنها حکاکی شده و نماد علم‌های جنگی است که پیروان [امام] حسین حمل می‌کردند) می‌نشینند. نوحه‌خوان‌ها با دعاهایی در مدح خاندان پیامبر، فتح باب می‌کنند و بعد از چند مرثیه، نوحه‌هایی به یاد شهدا می‌خوانند. پس از آن واعظ بالای منبر می‌رود و روضه‌ای طولانی راجع به مصائب حسین و پیروانش می‌خواند. (در ادامه، به این روضه‌ها خواهیم پرداخت). بعد از این خطابه، جمعیت برمی‌خیزد و یکی از نوحه‌خوان‌های هیأت، جای واعظ را می‌گیرد. پشت سر او یک گروه کر، شامل شش یا هفت مرد، به شکل نیم‌دایره قرار می‌گیرند. نوحه‌خوان و گروه کر، مردم را در خواندن نوحه‌ها - اشعاری در رثای یکی از شهدای کربلا - رهبری می‌کنند. در طول این نوحه، جمعیت و گروه کر با هم، ماتم را اجرا می‌نمایند و معمولاً فقط به سینه‌زنی با یک دست اکتفا می‌کنند (سوگ‌واری "با ابزار" شامل ریختن خون با تیغ، کارد و غیره، معمولاً مخصوص روزهای هشتم، نهم و دهم محرم است. روز دهم یا عاشورا، روز شهادت [امام] حسین، نقطه اوج مراسم شیعی محسوب می‌گردد). نوحه هم راه با اجرای ماتم، خوانده می‌شود؛ این بخش از نوحه ماتم که مردان هیأت اجرا می‌کنند، حرکات فیزیکی دشواری را شامل می‌شود که طی آن حاضران، با لحنی بلند و قوی می‌خوانند، در حالی که به شدت خود را می‌زنند. بعد از اتمام نوحه، یک فرود احساسی هم راه با چند دعا در رثای امامان شیعه به آرامی خوانده می‌شود و حاضران به سمت کربلا و مشهد، ضریح امام حسین و امام رضا، تعظیم می‌کنند. (گفته می‌شود امام رضا در سال ۸۱۸/۲۰۸ توسط خلیفه عباسی مأمون مسموم شد و به شهادت رسید).^۱

نکته‌ای در مورد این مجالس وجود دارد. اختلاط طبقات مختلف جامعه کاملاً مشهود است؛ حتی مهم‌تر از آن، غیرشیعیان، خصوصاً هندوها، نیز در ماه محرم،

بخشید، آنچه از روایات و سیره به دست می‌آید تأکید بر تأثیر عمیق قلبی و عزاداری هم‌راه با معرفت است که از چنین رویه‌ای که مؤلف مشاهده نموده به دور است. (ناقد، انجمن)

۱. سال شهادت امام رضا علیه السلام ۲۰۳ یا ۲۰۲ قمری می‌باشد (کافی، کلینی، ج ۱ ص ۴۸۶) (ناقد، انجمن)

برای گرامی داشتن یاد [امام] حسین به مکان‌های مقدس می‌روند^۱ (حیدرآباد به داشتن آیین‌های مختلط هندو-شیعی معروف است). وجهه اجتماعی و ارزش مذهبی، عاید بانیانی می‌گردد که موفق شوند تعداد زیادی از مردم را به مجلس خود بیاورند. یکی از اعضای هیأت به من گفت^۲:

اگر من میزبان باشم، هدف من این است که تا حد توان، مردم بیشتری را در مجلسم جمع کنم. محرم تنها زمانی است که می‌توان یک میلیونر را گوشه خیابان دید که از عابران خواهش می‌کند به خانه او بروند. حتی درشکه‌چی‌ها، کسانی را دعوت می‌نمایند که دیگر مواقع سال به آنها نگاه هم نمی‌کنند. اگر پیرمرد شیک‌پوشی را دیدید که دعوت‌نامه مجلس خود را میان مردم پخش می‌کند، دلیلش همین است؛ آنها تلاش می‌کنند مردم را برای مجلس محرم به خانه خود ببرند.^۳

برای توصیف روند مراسم‌های محرم در حیدرآباد، می‌توان از واژه (Communitas) استفاده کرد که ویکتور ترنر در تحقیق خود به کار می‌برد: انحلال موقت تبعیض‌های اجتماعی که در آن مردم از طبقات و مذاهب مختلف، برای تکریم شخصیتی مورد احترام همه، جمع می‌شوند.^۴ یکی از اجزای مهم برای رسیدن به Communitas، در سیاق مذهبی حیدرآباد، روضه‌ای است که در مجلس خوانده می‌شود. واعظ، یک یا چند شهید کربلا را

۱. این مسأله قابل توجه است که چه عاملی موجب می‌شود که نه فقط غیر شیعیان، بلکه غیر مسلمانان از هندوها و غیره در این مراسم شرکت کنند. آیا به زعم نویسندگان از آیین‌های مختلط هندو شیعی است؛ یا به دلیل عظمت حادثه و تأثیر عمیق آن در روح انسان‌ها، در صورت معرفت شخصیت امام حسین علیه السلام و ابعاد نهضت اوست. فوایدی که مردم از این مراسم دیده‌اند به نظر می‌رسد قسمت دوم درست باشد و این مسأله در حال و هوای شرکت‌کنندگان مشهود است و هیچ فردی از آنان نظر اول، به ذهنشان نمی‌رسد. (ناقد، انجمن)

۲. باید توجه داشت برداشتی که مؤلف نقل می‌کند مورد توجه و اهتمام روایات و معصومین علیهم السلام نیست بلکه آنچه در روایات مهم تلقی شده، عزاداری با اخلاص و معرفت است نه کمیت و تعداد بیشتر عزاداران. اگر تعداد بیشتر نیز مورد نظر است بر این اساس است که مردم را به مجالس حسینی جذب می‌کنند، نه بر اساس رقابت بین گروه‌ها و با انگیزه‌های شخصی. (ناقد، انجمن)

۳. پنالت، شیعیان، ص ۸۷.

۴. ویکتور ترنر، "درام‌های اجتماعی و استعارات عبادی" در نمایش‌نامه‌ها، زمینه‌ها و استعارات: حرکات نمادین در جامعه بشری (ایناکا، انتشارات دانشگاه کومل، ۱۹۷۴)، ۴۶-۵۳.



برای موضوع اصلی انتخاب می‌کند - طفل [امام] حسین، علی اصغر که طی محاصره، با پیکان گلویش را شکافتند؛ [حضرت] زینب، خواهر امام، که در کربلا اسیر شد و او را با زنجیر به دمشق بردند؛ [حضرت] عباس، محافظ و برادر ناتنی [امام] حسین، که در حال آوردن آب از فرات برای کودکان تشنه‌لب، کشته شد. واعظ با لحنی آرام و فکورانه، با گفتن فضایل - شایستگی‌ها و ویژگی‌های اخلاقی برجسته شهید مورد نظر شروع می‌کند. بعد با مصائب - توصیف مصیبت‌ها و نحوه کشته شدن شهید مورد نظر - ادامه می‌دهد. ویژگی واعظ‌هایی که در حیدرآباد دیدم، افزایش شدت احساسات در طول بخش مصائب روضه است؛ صدای سخن‌ران با شیون بالا می‌رود؛ او با حرکات شدید سر و دست، ضربه‌هایی را القا می‌کند که به آن انسان‌های بی‌گناه زدند؛ او گریه و شیون فرزندان [امام] حسین را که آب می‌خواستند و زنان خانواده حسین را که زنده ماندند و جنازه امام مقتول را دیدند، تقلید می‌کند. آن‌گونه که منابع من گفتند، از نشانه‌های روضه‌خوان خوب، توانایی او در ترسیم واضح میدان کربلاست، طوری که احساس رقت و حضور جمع حاضر را برانگیزد تا شنوندگان بتوانند کربلا را در ذهن خود ترسیم کنند و خود را در کنار [امام] حسین در میدان جنگ تصور نمایند. در مجلسی که شرکت کردم، این مصائب، جمعیت را مکرراً به چیزی وامی‌داشت که می‌توان مجموعه‌ای منسجم از پاسخ‌های رفتاری منظم خواند. کسانی که نشسته بودند، بلند ناله می‌کردند، به نشانه عزا روی پای خود می‌زدند و صورت خود را در حالی که گریه می‌کردند، با دستمال می‌پوشاندند. دقیقاً در همین نقطه که احساسات جماعت به اوج خود می‌رسد، واعظ روضه خود را تمام می‌کند و همه برمی‌خیزند؛ حالا آماده شروع ماتم هستند، یا به شکل سینه‌زنی یا خودزنی با تازیانه یا تیغ.

حالت احساسی حاضران با نکته‌ای که یکی از نوحه‌خوانان هیأت حیدرآبادی به نام پروانه شبیر (پروانه حسین) به من گفت، روشن می‌شود: «ما می‌خواهیم غم حسین را حس کنیم». دیگر مسئولان هیأت پروانه شبیر، تعریف کردند که

چگونه در طول جنگ احد علیه قریشیان مکه، حضرت محمد با سنگی که به طرف ایشان پرتاب شد از ناحیه دهان زخمی شدند و چند تا از دندان‌هایشان شکست. اعضای هیأت به من گفتند که یکی از اصحاب، از غم زخم پیامبر سنگی برداشت و دندان‌های خود را شکست تا همان دردی را که پیامبر داشت درک کند.^۱

با در نظر داشتن این اظهارات، نگاهی به مطالعات قرن چهاردهم هوگو فون رویتلینگن در مورد مراسم خودزنی مسیحی می‌اندازیم. او ابتدا سروده‌های مذهبی مغفرت‌طلبان آلمانی را هنگام خودزنی توصیف می‌نماید، سپس نظریات ذیل را اضافه می‌کند:

سپس آنها زانو می‌زنند و مرشدشان می‌گویند: «سلام بر مریم. مادر نازنین، بر مسیحیان بیچاره رحم کن!» و آنها هم تکرار می‌کنند. بعد می‌گویند: «سلام بر مریم» و همه به شکل صلیب روی خاک می‌افتند و مرشدشان آنها را به یادآوری مصائب مسیح فرامی‌خواند. او این‌گونه آغاز می‌کند: «سلام بر مریم». آنها برمی‌خیزند و تکرار می‌کنند: «ای آرام‌بخش همه گناه‌کاران، بر زنان و مردانی که گناه کبیره کردند، رحم کن». دوباره می‌گویند: «سلام بر مریم». آنها به حالت صلیب به خاک می‌افتند.

از متن بالا (که آداب آن به لاتین و نیایش‌ها به آلمانی گفته شده است)، روشن می‌شود که نیایش‌های برگزارکننده مراسم و مردم، به زبان محلی است و در نتیجه همه آن را می‌فهمند. هم‌چنین در نظر داشته باشید که این مراسم، نه‌تنها اعمال فیزیکی دارد - زانو زدن، قیام کردن، به خاک افتادن به شکل صلیب - بلکه خطابه‌ای دارد که مرشد طی آن، مردم را به یادآوری مصائب مسیح فرامی‌خواند. این متن را با یکی از توصیف‌های معاصر دیگر در مورد مراسم مغفرت‌طلبانه مسیحی قرون وسطا، این بار توسط راهب پادوا، می‌توان مقایسه کرد:

۱. پنالت، شیعیان، ص ۱۰۱-۱۰۲.

هر یک شلاقی به دست داشت؛ با گریه و ناله به شدت به پشت شانه‌هایشان می‌زدند تا خونس در می‌آمد. مانند سیل اشک می‌ریختند، گویی با چشمان خود مصائب منجی‌مان را می‌دیدند. با چشمانی اشک‌بار دعا می‌کردند و از مسیح و مادر خدا بخشش می‌طلبیدند.^۱

توصیف راهب، به نقش احساسات فردی در اعمالی اشاره دارد که در این مراسم انجام می‌شده است: «گویی با چشمان خود مصائب واقعی ناجی‌مان را می‌دیدند». این حالت احساسی ناشی از تصور ذهنی در طول خودزنی، ظاهراً به طور اتفاقی شروع نشده بلکه آگاهانه، به شرکت‌کنندگان آموزش داده شده و مرشد هیأت، آنها را هدایت می‌کرده است، همان‌گونه که از روایت رویتلینگن چنین برمی‌آید: «مرشدشان آنها را به یادآوری مصائب مسیح فرا می‌خواند». شاید توانایی تصویرسازی ذهنی، با الفاظ (Laudi Spirituali) یا سرود معنوی که در طول خودزنی خوانده می‌شد، برانگیخته شده باشد. هوپر به سرودی اشاره می‌کند که (Disciplinati di Gubbio) خوانده شد. این قطعه به صورت مکالمه نوشته شده که مسیح در آن، مستقیماً با خودزنان سخن می‌گوید:

ننگ بر آنان که صلیب را حمل نمی‌کنند؛
 سخت‌تر از سنگ است قلب کسی که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و
 دنبال من نمی‌آید...
 کجاست مغفرت‌طلبی که مرا تا صلیب همراهی کند و خود را در ماتم
 گناهانش غرق اشک سازد؟^۲

۱. هوبنر، Geisslerlieder، ص ۹.

۲. همان، ص ۶۲-۶۳. تصویرسازی ذهنی برای درگیر کردن احساسات شخصی با احساس شخصیت‌های مقدس تاریخی در سنت مسیحی، از قرون وسطا تاکنون ادامه یافته است. نک: تمرین معنویت، اثر ایگناتیوس لویولا (شیکاگو، انتشارات دانشگاه لویولا، ۱۹۵۱) ترجمه س. جی. پوهل. در بخش تأملی در مورد دو معیار (ص ۶۰-۶۳)، سنت ایگناتیوس، رهبر را دعوت می‌کند تا هر یک از دو ارتش مخالف را زیر پرچم خود تصور نماید: ارتش لوسیفر و ارتش مسیح: «تصور کن رهبر تمام دشمنان، در دشتی وسیع نزدیک بابل، بر تخت بزرگی از آتش و دود نشسته، ظاهرش ترس‌ناک و وحشت‌آور است... تصور کن مسیح در مکانی پست در دشتی بزرگ حوالی اورشلیم ایستاده است با ظاهری زیبا و جذاب». آن گاه به خواننده گفته می‌شود به درگاه مریم مقدس دعا

این سرود مثل خیلی از سرودهای *disciplinati*، به زبان محلی ایتالیایی خوانده شده و در نتیجه خوانندگان و شنوندگان، کاملاً آن را می‌فهمند. سرودهایی از این دست، چنان به توانایی تصویرسازی تأکید کرده که مرز بین حال و گذشته را بین فرد یادکننده و یاد شونده برداشته است. انسان نه تنها به تماشای مصائب مسیح خوانده می‌شود، بلکه در حد توان به شرکت در شکنجه‌هایی تشویق می‌گردد که مسیح متحمل شد؛ در نتیجه، تأکید متن به داشتن صلیب، دنبال مسیح رفتن و همراهی کردن او تا قربان‌گاه است. خودزنی که درد فیزیکی دارد، راهی است که بتوان مصائب مسیح در گذشته دور را در زمان حال نیز درک کرد.

سرود مسیحیان خودزن را با نوحه‌های هیأت‌های شیعی در طول مراسم ماتم می‌توان مقایسه کرد؛ مانند نوحه‌ای که در رثای داماد کربلا، قاسم بن الحسن^۱ گفته شده که با دختر امام حسین، فاطمه کبری، عقد کرده بود. زوج جوان در حالی که با خانواده خود در کربلا محاصره شده بودند، شب آخر ازدواجشان را جشن گرفتند و اندکی بعد از آن، قاسم در آخرین رزم کشته شد. این نوحه را اعضای پروانه شبیر اجرا می‌کنند؛ در طول مراسم، قاسم با لقب افتخاری شاه خطاب می‌شود:

دل هم خانه شاه است

کند، «از او بخواهد از فرزندش حضور زیر پرچم او را اجازه گیرد.» تصویرسازی ذهنی هم‌چنین در یکی از نیایش‌های محبوب‌تر سنت کاتولیک پرورانه می‌شود، تأملی بر "پنج سر محزون" که هم‌راه نیایش و زاری می‌توان انجام داد. نک: «تحقیر مسیح در اذکار» دعای روزانه شماره ۲ واتیکان، (بوستون: دختران سنت پاول، ۱۹۷۵) ص ۲۳۵۳-۲۳۵۶.

۱. درباره صحت جریان ازدواج قاسم بن الحسن علیه السلام در شب عاشورا و برخی جریان‌های دیگر که چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، بین عالمان و تاریخ‌نویسان اختلاف نظر است؛ بلکه نظریه رد آنها قوی‌تر است. البته این‌گونه موارد برگرفته از تفسیرهای عاطفی در تحلیل واقعه کربلاست که به منظور تقویت حادثه عاشورا و زنده نگه‌داشتن بیشتر آن، جعلیاتی به آن افزودند که نه تنها موجب تقویت آن نشد بلکه در بسیاری موارد تأثیر منفی داشته و برخی آثار مثبت حادثه عاشورا را تضعیف نموده است، به‌ویژه در فضای فرهنگی و اجتماعی عصر حاضر که با غلبه عقل‌گرایی و تبیین عقلانی آموزه‌های دینی مواجه هستیم. (ناقد، انجمن)



در ماتم قاسم هدیۀ ما اشک است؛
 یا علی، فریاد رسیده: قاسم کشته شده!
 این صدای ماتم، پیام هوشیاری است؛
 بدین سبب خون زندگی در رگان ما جاری است.
 زندگی ما ماتم شاه است؛
 او خود در مجلس حاضر می‌شود، اما معصوم و ناخوش
 یا علی فریاد رسیده قاسم کشته شده!
 ای عالی‌مرتبۀ، در این ماتم قومی به پا خیزند که بر سینه می‌زنند
 یا علی فریاد رسیده قاسم کشته شده!^۱

زبان این نغمه برای داماد کربلا، به بندهای دو نوحه شباهت دارد که انجمن
 معصومان خوانده است:

پژواک صدای این ماتم
 اعلام پیروزی بر مصائب و پریشانی است.
 در پیروزی حق سوگند اشک‌بار خورده می‌شود:
 کربلا - خدایی جز خدای یگانه نیست.^۲

ای نوجوانان عزا،
 دعای دل همه را در خود دارید.
 به حق تا روز حشر که همه گرد آیند
 این صدای ماتم سینه‌ها بلند می‌شود.^۳

مقصود این غزل‌ها، نوشته‌ی علی جواد است، شاعر معاصری که نوحه‌هایش را
 در هیأت‌های مختلف در حیدرآباد، از جمله پروانه‌ی شبیر و معصومان می‌خوانند.

۱. متن این نوحه در کتاب سرود پروانه‌های شبیر، واله کربلا، نوشته میراحمد علی (حیدرآباد: مکتب
 تریبیه، ۱۹۸۹)، ص ۳۴-۳۵ آمده است.
 ۲. انجمن معصومان، دعای فاطمه: منتخب نوحه‌جات (حیدرآباد، بی‌تا)، ص ۱۱-۱۲.
 ۳. همان، ص ۸.

این ماتم دعای فاطمه است؛
چگونه این ماتم تمام می‌شود؟
این ماتم ندای مبارزه‌طلب است؛
هر قطره اشک ذره تمنای بی‌قرار پیروزی است.^۱

از این اشعار می‌توان فهمید (با قرض گرفتن عبارت جان هرینگتون از مطالعه وی در مورد غزل‌های سرودخوانان اسپارت باستان) که «گروه کر برای خود و در مورد خود می‌خواند». ^۲ این نوحه‌ها فقط به واقعه تاریخی کربلا نمی‌پردازد، بلکه به یادبود دسته‌جمعی این واقعه، می‌پردازد آن گونه که مردان هیأت انجام می‌دهند. بسیاری از لغاتی که در این اشعار می‌آید - ماتم (عزاداری / سینه‌زنی / ریاضت نفس)، سینه‌زنی، مجلس (مراسم محرم)، عزاخانه (خانه عزاداری، مترادفی برای واژه حیدرآبادی عاشورخانه، حسینه) - از لغات مراسم مذهبی معاصر گرفته شده‌اند؛ این اشعار، در مقام اجرا ارزش‌گذاری می‌شدند. شاعر، این اشعار را برای اجرای توسط گروه‌ها در محل مراسم یا فقط برای اعضای هیأت یا در حضور عموم شیعیان نوشته است. در بعضی از عبارات، گروه کر، خود را معرفی می‌کند (ای نوجوانان عزا)، اما اشارات بیشتری به آداب عزاداری می‌شود - شیون، سینه‌زنی، اشک ریختن - که تمام افراد حاضر در مراسم در آن شرکت می‌کنند. مریدان و اعضای هیأت، با تکنیکهای رابطه بی‌واسطه که مرز زمان را می‌شکند، وارد اشعار می‌شوند: قاسم به عنوان یک قربانی، به تاریخ دور تعلق ندارد، بلکه گویی تازه کشته شده است؛ خود داماد هم در مجلس حضور دارد؛ آینده، ادامه عزا از حال تا روز قیامت در نظر گرفته می‌شود.

در مقایسه آداب سوگ‌واری و ریاضت نفس مسیحی و شیعی، می‌توان فهمید که مراسم هر دو مذهب به نحوی سازمان‌دهی شده که اثری مشابه روی حاضران می‌گذارد. روضه‌ها و یادآوری وقایع گذشته (خواه مرگ [امام] حسین

۱. سید علی جواد مقصود، Yeh Matam kaysay ruk ja jay (حیدرآباد: مکتب ترابیه، بی‌تا) ص ۹.
۲. جان هرینگتون، ورود شعر به نمایش‌نامه: تراژدی در قدیم و سنت شعری در یونان (برکلی، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۸۵)، ص ۲۱.

یا [حضرت] عیسی)، و الفاظ به کار رفته در سرودهایی که هنگام ریاضت نفس خوانده می‌شوند، حرکات فیزیکی جمعی (سینه‌زنی، شلاق‌زنی، زاری، زانو زدن، به خاک افتادن)، همه حالتی را به وجود می‌آورند که آن را هم‌دلی تن و تخیل می‌توان توصیف کرد که طی آن، حرکات جسمانی و تصویرسازی ذهنی به کار گرفته می‌شوند تا حال و هوای حضور در کنار شخصیت‌های مقدس تاریخی را به وجود آورند. روندی در تشیع و مسیحیت به کار گرفته شده که از طریق آن، احساسات فیزیکی عمداً انگیخته می‌شود و مستقیماً به رسیدن به حالات معنوی می‌انجامد. می‌توان تحلیل گادفری لاینهارت به یاد آورد. از آن چه وی "هم‌کاری داوطلبانه شخص آگاه" در دست‌یابی به شور مذهبی، در مورد مردم دینکای سودان، می‌خواند را به گفته لاینهارت، در آداب قربانی دینکا، بسیاری از حاضران، تکان و دردهایی که حلول روح را نشان می‌دهد، عمداً در خود برمی‌انگیزند. سپس جسم فوراً تسلیم هیجان‌ات و حرکاتی می‌شود که بر اساس ایمان و سنت باید در چنین مواقعی انتظار داشت و تا حدودی عامدانه منتظر آیند. منشأ جسمی این حالت مذهبی، به هیچ وجه اعتبار حالت به دست آمده را ضعیف نمی‌کند: «دینکاها به جنبه خودآگاه این عمل که حالات رهایی را به هم‌راه می‌آورد، به جای‌گزینی نهایی شخصیت انسان طبیعی در افرادی که خود را تسلیم کرده‌اند، کمتر علاقه نشان می‌دهند.... چیزی که رخ داده برای آنها مهم است، نه چگونگی رخداد آن»^۱.

با انجام دادن تغییرات لازم، موضوعی شبیه این را می‌توان در مورد آداب خودزنی شیعی و مسیحی بیان کرد: ضربه‌های وارده به بدن، حالت یک‌سان‌انگاری با ضربه‌هایی را به وجود می‌آورد که [حضرت] عیسی و [امام] حسین تحمل کردند. دلیل محبوبیت آداب ریاضت نفس در سنت‌های اسلامی و مسیحی را می‌توان این‌گونه توضیح داد که این آداب، اجازه می‌دهند تا سنت تاریخی، نه فقط از راه تفکر، بلکه از راه احساس هم درک شود.

۱. گادفری لاینهارت، الوهیت و تجربه: مذهب دینکاها (آکسفورد: انتشارات کلاردیون، ۱۹۶۱) ص ۲۳۵.

در این مبحث، جای آن دارد به استدلالی توجه قرار کنیم ویلیام جیمز در کتابش با نام تنوع تجربیات مذهبی در مورد اعتبار جاری دین در عصر علم، قرن بیستم، آورده است:

تا زمانی که با نامتناهیات و کلیات سروکار داریم، با نمادی از حقیقت روبه‌رو هستیم، اما همین که با پدیده‌های خصوصی و شخصی سروکار پیدا می‌کنیم، به معنای واقعی کلمه، با حقیقت روبه‌رو می‌شویم... اکنون می‌بینید که چرا من در تمام طول این سخن‌رانی‌ها، فردگرا بوده‌ام و علاقه داشته‌ام که عنصر احساس را در مذهب بالا برده، جنبه عقلی آن را در مقام دوم قرار دهم... اعماق احساس، لایه‌های تاریک‌تر و مخفی‌تر شخصیت، تنها جای دنیا هستند که می‌توان حقیقت واقعی را یافت و مستقیماً دید که وقایع چگونه اتفاق می‌افتند و چگونه کار واقعاً انجام می‌شود. جهان موضوعات کلی که عقل می‌سازد، در مقایسه با جهان زنده احساسات فردی، پایداری و زندگی ندارد.^۱

از نظر جیمز، تنها واقعیاتی که شخصی با آن روبه‌رو می‌شود آن قدر ارزش دارند که به منزله یک بینش محوری به حساب آیند که بر پایه آن زندگی خود را سازمان‌دهی کنیم. مطالبی که در مورد سنت‌های مسیحی و اسلامی جمع آوری شد، نشان می‌دهد که آداب مذهبی، سازوکاری است که طی آن جهان اهداف کلی را که ساخته عقل است به واقعیات، به کامل‌ترین معنای کلمه، تبدیل می‌کند. این تجربه بیان ناشدنی مذهبی به‌ویژه در سنن ابراهیمی، از طریق درگیر کردن احساسات در یک واقعه تاریخی خاص، دست می‌دهد: در یهودیت، هجرت از مصر؛ در مسیحیت، مصائب مسیح؛ در اسلام شیعی، واقعه کربلا.

همان گونه که دیدیم، یادبود یک واقعه تاریخی مقدس توسط هیأت‌ها در مذاهب شیعی و مسیحی، ریاضت نفس را در پی دارد. اما در هر دو سنت، جلوه‌های غم سازمان می‌یابد و به نوع مراسم محدود است. در این زمینه،

۱. ویلیام جیمز، تنوع تجربیات دینی (هارموندز ورث: کتاب‌های پنگوئن، ۱۹۸۲) ص ۴۸۹، ۵۰۱-۵۰۲.



موسیقی مذهبی نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند. مغفرت‌طلبان در هیأت‌های Disciplinati مربوط به مسیحیت قرون وسطا، در حالی که با هم سرودی معنوی می‌خواندند، خود را با شلاق می‌زدند. حالت آن تهلیلی بوده است: در حالی که انبوه جمعیت، بند ترجیع را تکرار می‌کردند، تک‌خوان‌های تعیین شده، آواز را رهبری می‌نمودند. مقررات هیأت‌ها، مدت زمان دقیق هر خودزنی را تعیین می‌کرد. در برخی نمونه‌ها، دیده شده که مدت زمان خودزنی، با توجه به مدت زمان نوحه‌خوانی آن هیأت تعیین شده است؛ برخی گروه‌های دیگر، هر دور خودزنی را معادل مدت زمان لازم برای پنج دعای ربانی و پنج نیایش مریم مقدس قرار می‌دادند. به گفته راهب پادوا، با این که هیأت‌های disciplinati از سرودهای مذهبی استفاده می‌کردند، اما به حاضران اجازه نمی‌دادند آلات موسیقی بنوازند یا تصنیف‌های عاشقانه غیرمذهبی بخوانند.^۱

با در نظر داشتن این که هیأت‌ها قوانینی جزئی در مورد رفتار مغفرت‌طلبان در طول مراسم خودزنی وضع می‌کردند (ممنوعیت قسم خوردن، حمل سلاح، صحبت کردن با زنان و غیره)، روشن می‌شود که مرشدان هم به همین ترتیب سعی می‌کردند اعمال ریاضت نفس را برای جلوگیری از تبدیل شدن آن به فوران احساسات فردی محدود کنند. هوبنر از یک منبع قرون وسطا با عنوان (Annales Mechorienses) نقل قولی می‌آورد که نشان می‌دهد چگونه مراسم مغفرت‌طلبانه، به پایانی اسفبار انجامیده است:

زنان مجرد، پیر و جوان، در حالی که خود را می‌زدند، از شهر خارج شدند و دیوانه‌وار این سو به آن سو می‌دویدند، آنها با موهای ژولیده، شب را در جنگل می‌گذراندند تا گریگوری، را ببینند که او را قدیس می‌دانستند، اما تعدادی که به وسیله شیطان منحرف شده بودند، هلاک شدند.^۲

۱. هوبنر، Geisslerlieder، ص ۸-۴۲، ۹؛ سدی، دیکشنری نیو گروو، «سرود معنوی»، اثر جان استیونز و ویلیام اف. پرایزر.

۲. هوبنر، Geisslerlieder، ص ۱۳.

هیأت مردان در حیدرآباد قرن بیستم، از سروده‌های مذهبی برای ترتیب دادن اعمال ریاضت نفس استفاده می‌کردند. برای توضیح چگونگی تحقق این امر، ابتدا باید بگوییم که هر کدام از گروه‌ها روش خاص خود را برای ماتم دارد. برای مثال، گروه جعفری، از روش ماتم ایرانی استفاده می‌کند: فرد عزادار، دست‌ها را به حالت کشیده بالای سر می‌برد و بعد محکم به سینه می‌کوبد. پروانه‌های شبیر از شکل اصلاح شده ماتم پنجاب استفاده می‌کند که در آن عزادار ابتدا با دست راست، بعد با دست چپ، به صورت متناوب سینه می‌زند. شکل ماتم هیأت‌ها با تفاوت‌هایی جزئی، از یک‌دیگر تفکیک می‌شوند؛ مثل حالت ایستادن، درجه نوسان بالاتنه یا خم شدن آرنج و شدت ضربات. به علاوه، ریتم و آهنگ شیوه ماتم، به وسیله نوحه‌ای تعیین می‌گردد که همه با هم در حال سینه‌زنی می‌خوانند؛ در نتیجه، نظم خاصی را بر حاضران حاکم می‌کند: آنها باید هم‌آهنگ با هم و با نوحه، سینه بزنند و سینه انسان مانند ساز کوبه‌ای، در تلاشی جمعی برای پاسخ ضربی به نوحه به کار می‌رود. این نظم فقط مخصوص اعضای گروه‌های سوگواری نیست. دیگران هم که در مراسم عمومی شرکت می‌کنند، باید از اعضا پیروی نمایند و در طول مدتی که در مجلس حضور دارند، باید ماتم را به شیوه هیأت و هم‌آهنگ با نوحه هیأت اجرا کنند.^۱

به این ترتیب، مطالعه بخش ماتم نوحه، نشان می‌دهد که اعمال ریاضت نفس هیأت‌ها، به هیچ وجه شیوه آزاد و فی‌البداهه نیست؛ جماعت حاضر در هر مجلس هیأت ماتم، باید ماتم را گروهی و به شیوه‌ای اجرا نمایند که آن گروه تعیین می‌کند، آهنگ و ریتم ماتم و هم چنین مدت زمان آن، را نوحه‌خوان مشخص می‌کند. پس از اتمام نوحه، سینه‌زنی هم متوقف می‌شود. در چند مراسمی که در روز عاشورای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ شرکت کردم، وقتی حاضران، خود را با کارد و شلاق زخمی می‌کردند، اعضای پیرتر هیأت، دور آنها می‌ایستادند و

۱. برای بحث جزئی‌تر در مورد شیوه‌های ماتم، نک: پنالت، شیعیان، ص ۱۰۹-۱۱۴.

مراقب بودند. اگر فردی کنترل خود را از دست می‌داد و از زمان تعیین شده تخطی می‌کرد یا صدمات جدی به خودش می‌زد، آنها دخالت نموده، او را توبیخ می‌کردند. تکروی و افراط ممنوع بود. تمام این تدابیر، برای جلوگیری از امکان آسیب به خود بوده که در این مراسم‌ها دیده می‌شود، به‌ویژه وقتی اجتماع بزرگی از نوجوانان مشتاق به اثبات طاقت درد وجود داشته‌اند. این امر، خودزنی آرتمیس را به ذهن متبادر می‌کند که در اسپارتای باستان برگزار می‌شد. شرکت‌کنندگان در این مراسم‌ها، پسران جوانی در سنین بین کودکی و بزرگسالی بودند؛ این مراسم‌ها نوعی رقابت برای آزمایش قدرت تحمل بود که در آن، جوانان اسپارتایی برای ادای احترام به الهه، خودزنی می‌کردند تا نشان دهند که چقدر می‌توانند طاقت بیاورند. پلوتارک، تاریخ‌نگار یونانی که این مراسم‌های آیینی را شاهد بوده، خاطر نشان می‌کند که تعدادی از پسرها در طول این مراسم خودزنی، می‌مردند.^۱

نوحه‌خوان‌های هیأت‌های شیعی حیدرآبادی، با هدایت کردن و نشان دادن روش اجرای ریاضت نفس، مانع چنین افراط‌هایی می‌شدند. نقش نوحه‌خوانی در گروه‌های سوگ‌واری، با تردیدی که در اسلام در مورد موسیقی وجود دارد، برجسته‌تر می‌شود. اخیراً برخی منتقدان معاصر و مسلمان گروه‌های شیعی، اجرای ماتم و تمام ظرافت‌های آن را به استهزا گرفته، آن را رقص می‌خوانند.^۲ درحقیقت، ماتم بسیاری از گروه‌های حیدرآبادی، شباهت زیادی به رقص دارد: پاهای شرکت‌کنندگان ثابت است و شکل ماتم توسط حرکات جسمانی پرانرژی و تکان‌های منظم بدن، هم‌راه با ریتم نوحه کنترل می‌شود. برای مثال، رساله‌ای در مورد موسیقی، از ابن‌علی‌الدینا، خوانندگی را فعالیتی می‌داند که «حیا را کم می‌کند، شهوت را زیاد می‌نماید و مروت را از بین می‌برد و در حقیقت حکم شراب و مستی را

۱. پلوتارک، زندگی لیکورگ، در ج. ۱. فالبرت، ترجمه، پلوتارک و اسپارت‌ها، (هارمونز ورت: انتشارات پنگوئن، ۱۹۸۸)، بخش ۱۸، ص ۳۰.

۲. نک: نقدهای جمع‌آوری شده در پنالت، شیعیان، ص ۱۴۹-۱۵۱.

دارد».^۱ به نظر می‌رسد که گروه‌های سوگ‌واری در حل این تردید دیرینه اسلام در مورد موسیقی، موفق بوده‌اند: هیأت‌ها تلویحاً به جذبۀ همگانی بشر به ریتم و موسیقی اعتراف دارند و برای مهار این جذبۀ، سرود مذهبی و حرکات ریتمیک را در مراسم خود می‌آورند. از خود همین نوحه ریتمیک ماتم، به منزله وسیله کنترل ابراز احساسات شرکت‌کنندگان آیین محرم در حیدرآباد استفاده می‌شود.

مثال مشابهی را در سنت مغفرت‌طلبانه مسیحی می‌توان یافت. محدودیت‌های زیادی که *disciplinati* بر رفتار هواخواهان خود تحمیل می‌کرد، مانند ممنوعیت آلات موسیقی و سرودهای عاشقانه غیرمذهبی، بدین معنا نبود که موسیقی به طور کلی از مراسم هیأت حذف شود. در حقیقت وقتی مغفرت‌طلبان در حال خواندن سرود معنوی، خود را می‌زدند، این سرودها باعث می‌شد عمل خودزنی، محدود و منظم شود. بسیاری از خواننده‌های اروپایی سرودهای مذهبی، عمل *travestimento spirituale* ("ظاهر سازی معنوی"، "پوشش مذهبی") را انجام می‌دادند تا صدایشان به تعداد بیشتری از مسیحیان برسد؛ آنها این سرودها را با ملودی ترانه‌های محبوب نقال‌ها یا نغمه‌های کارناوال می‌خواندند.^۲ این عمل به‌کارگیری موسیقی برای مقاصد مذهبی را در فلورانس، در دوره استیلای اصلاح‌طلب دومینیکی، گیرولا ما ساونارولا، می‌توان دید. وی موسیقی غیرمذهبی را به منزله سرچشمه اغوای به گناه محکوم کرد؛ با این حال، ژانر موسیقی مذهبی در طول این دوره، از محبوبیت زیادی در فلورانس برخوردار شد، طوری که ساونارولا خودش چند موسیقی مذهبی سرود. جای‌گاه متزلزل موسیقی در اواخر قرن پانزدهم فلورانس، در واقعه مشهور "آتش‌سوزی آلات لهو" انعکاس می‌یابد که در (Piazza de' signori) در آغاز فصل مغفرت، در ایام روزه، در سال ۱۴۹۷ برگزار شد. ساونارولا در این حادثه، از تخریب اشیاء زمینی نظیر کتاب‌ها و عکس‌های مبتذل... ورق، تاس،

۱. نقل شده در کریستینا نلسون، هنر قرائت قرآن، (آستن: انتشارات دانشگاه تگزاس، ۱۹۸۵)، ص ۴۳.

۲. استیونز و پرایزر، «سرودها»، ۵۴۰-۵۴۱.

میزهای قمار و حتی آلات موسیقی مثل عود حمایت کرد. آتش به گروهی از پسران داده شد که روی پله‌ها و ایوان سیگنوری قرار گرفتند؛ با خواندن سرودهای مذهبی به زبان عامیانه که تازه در رثای عیسی مسیح و ضد کارناوال تصنیف شده بود، آلات لهو را آتش زدند.^۱ در نتیجه، شکلی از موسیقی به آتش سپرده شد، در حالی که دیگر شکل موسیقی، شکوفا گردید.

در پایان این مطالعه، به چند مقایسه عمومی گروه‌های سوگواری و هیأت‌های مغفرت‌طلب مسیحی می‌پردازم. در هر جامعه‌ای، مسلمان یا مسیحی، زنده کردن یاد وقایع تاریخی و رسیدن به حس نزدیکی به شخصیت‌های برجسته تاریخی - [امام] حسین در کربلا در یک طرف، و جلجتا و [حضرت] عیسی در طرف دیگر - وجود دارد. این حس نزدیکی از طریق یک روند هم‌دلی تنی-تخیلی، یادآوری و تصویرسازی مصائب حسین و عیسی، به هم‌راه اعمال ریاضت نفس میسر می‌شود که این مصائب را بخشی از خود شخص کرده، فاصله زمانی بین آن شخصیت‌های مقدس و حاضران را پر می‌کند. ریاضت نفس، داده‌های تاریخی مورد تأیید عقل را به آن چه ویلیام جیمز "حقایق کامل" یا "حقایق به معنای کامل کلمه"، می‌خواند به بعضی حقایقی تبدیل می‌کند که از طریق تجربه احساس، بخشی از شخص می‌شود.

خطرهایی در *disciplinati* و گروه‌های سوگواری مشترک محسوب می‌گردد که متوجه ریاضت نفس است: نه تنها خطر آسیب جدی جسمی، بلکه خطر اعمال کنترل نشده فردی که بنای هر انجمن و فعالیت گروهی را با اثری مرکزگرایانه و جدایی‌طلب، تهدید می‌کند. آیین‌های این مراسم‌ها، با این خطرها مقابله می‌نماید. عمل ریاضت نفس در مذاهب مسیحی و مسلمان، به وسیله قواعد دقیق و مفصل مهار می‌شود. این قواعد، اشتیاق مذهبی را با حرکات تعیین شده، حرکات فیزیکی و سرود تهلیلی هدایت می‌کند. نمایندگان درست‌آیینی در اسلام و مسیحیت، به اعمال وارد شده در مراسم‌های خودزنی،

۱. همان، ص ۵۴۱؛ رابرتو ریدولفی، زندگی گیرولامو ساونارولا، ترجمه سیسیل گری‌سان، (لندن: راتلج و کگان پل، ۱۹۵۹)، ص ۱۵۱-۱۵۲ و ص ۱۸۳-۱۸۴.

به‌ویژه استفاده از موسیقی، سرود و حرکات ریتمیک شبیه رقص، انتقاد می‌کنند. با این حال، هیأت‌های مسیحی و شیعی از طریق قوانین نظارتی، نشان داده‌اند که همواره به پذیرفته شدن از طرف هم‌کیشان درست‌آیین خود، علاقه‌مند هستند و از خطر افراط‌های فردی که با جمع‌بستن خودزنی با موسیقی و حرکات ریتمیک به وجود می‌آید، به خوبی آگاه هستند. هیأت‌های هر دو مذهب، با مراسم‌های جمعی و نظارت شده که خودزنی را اجازه می‌دهند اما به دقت آن را تنظیم می‌سازد، به مثابه قالب‌هایی عمل می‌کنند که تمایل خلاق آداب، به صورت خام و مذاب در آنها ریخته می‌شود. آن چه پدید می‌آید، مانند اثری هنری است که با قالب آیین جمعی شکل می‌گیرد: در سنت مسیحی، سرود معنوی مرتبط با خودزنی کاملاً منضبط؛ در سنت اسلامی، نوحه ماتم که هیأت مردان شیعی خلق می‌کند^۱.



۱. در نگاه کلی نسبت به این مقاله باید گفت، مؤلف با نگاهی علمی و مقایسه‌ای و توجه به نقاط مشترک، برداشت تطبیقی خوبی داشتند. اما باید توجه داشت که حقیقت عزاداری امام حسین علیه السلام و فلسفه پرپایی مجالس عزاداری در معنی و روح آن است نه صرفاً انجام برخی حرکات ریتمیک صرفاً برای اظهار هم‌دردی، یا ترجمانی از ماتم خویش، معنی و روح آن عبرت‌آموزی و پندگیری از فلسفه و هدف قیام امام حسین علیه السلام است. از سوی دیگر وجود شباهت میان مراسم و آیین عزاداری و جشن برخی ملت‌ها و پیروان ادیان با هم، دلیل بر اقتباس یکی از دیگری نیست گرچه در تعامل میان مردمان تأثیر متقابل در آداب و رسوم پذیرفتنی است؛ اما برای اثبات هر مورد، نیازمند یک پژوهش بر اساس شواهد و مستندات می‌باشیم که در این نوشتار نویسنده، صرفاً به بررسی وجود شباهت پرداخته است و نمی‌توان اقتباس را نتیجه گرفت. (ناقد، انجمن)

